



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۱۰/۰۹



هدایت الله ذاهب

## بدترین و بهترین برهه تاریخ برای افغانستان

افغانستان جایی است که تأثیرگذاران (رهبران) تاریخ معاصر در آن با استفاده قدرت خو گرفته اند و همیشه قدرت را در مقابل خویش دیده اند. کسانی که با قدرت خو می گیرند، زمانی که قدرت را در مقابل خویش می بینند به تصامیم بحران زا و ویرانگر دست می یازند. ما شاهدیم که چگونه این خو گرفتگان به قدرت با تصامیم مخرب خویش، جامعه را که در جغرافیایی به نام افغانستان زیست دارد، پارچه پارچه ساخته و به سوی بدبختی و فلاکت کشانیده و می کشانند.



بدترین  
و بهترین  
برهه تاریخی  
برای افغانستان



امتداد جنگ ها بر سر قدرت در گذشته و اکنون سبب به وجود آمدن جامعه ای شده است که مردم آن به نام قوم، سمت، زبان و مذهب دست به شمشیر مقابل یکدیگر ایستاده، تشنه خون یکدیگر بوده و یا حد اقل بدخواه یک دیگرند. علم که جای خود را در جوامع با ثبات و به سوی پیشرفت باز کرده و در جوامعی که تأثیر آن در زندگی مادی و معنوی مردم محسوس باشد به تکامل می پردازد از جامعه بی ثبات ما که داشتن و نداشتن علم تغییر چندانی در زندگی مردم نمی آورد رخت بر بسته است و جهالت سایه تاریک خویش را گسترانیده و می گستراند.

از جامعه‌ای که علم رخت بریندد، مردم آن مجبور می‌شوند به ناکسان پناه برده و این ناکسان از مردم برای منافع خویش استفاده می‌کنند؛ امروز افغان‌ها به نام دین، به نام مذهب، به نام قوم و به نام زبان مورد سوء استفاده قرار گرفته و سبب بحران و بی‌ثباتی در جامعه می‌شوند و هیچ‌کس از گزند این بی‌ثباتی در امان نیست.

پیشرفت و ترقی که اکثراً موازی با ثبات در حرکت اند از جوامع بی‌ثبات فرار می‌کند و ما می‌بینیم که ما به حیث یک جامعه در طول تاریخ نزدیک گذشته چگونه به سوی ضد پیشرفت سریع حرکت می‌کنیم. چنین جوامع تشنه تغییر می‌باشند، اما با تأسف اکثریاً فریب شعارهای تغییر را می‌خورند، گاهی به نام تغییر به رهبران فاسد می‌گرایند و گاهی هم به قوت‌های خارجی که برای سوء استفاده به این جوامع سرازیر می‌شوند و ما امروز شاهد شکار شدن خویش به دست استفاده‌جویان هستیم.

به طور خلاصه اگر بُعدهای مختلف جامعه افغانستان را بنگریم، چشم‌های ما ناامیدانه یک جامعه را می‌بیند که در بدترین حالت به سر برده و به مسیر بحران در حرکت است. بادی مقطعی تنها چنین نتیجه‌گیری به دست می‌آید، اما اگر دید خویش را در بُعد زمان فراخ‌تر سازیم و به گذشته نگریم و آینده را پیش‌بینی کنیم، می‌توان روزنه‌های امید و فرصت‌های طلایی را برای این جامعه دید. من بعضی از روزنه‌های امید را که این برهه از تاریخ را بهترین برهه تاریخ می‌سازد قرار ذیل می‌بینم. با سفر به گذشته در بعد زمان و بررسی تاریخ تمدن‌ها و امپراتوری‌ها در می‌یابیم که کسانی که به ساختن تمدن‌ها و امپراتوری فائق آمده‌اند، حالت رقتبار، بحرانی و بی‌ثباتی و یا مشابه به حالت کنونی افغانستان داشته‌اند.

نخست می‌رویم به تمدن بنی اسرائیلی که داوود و سلیمان (علیهم السلام) با ساختن دولت جهانی به مرکزیت بیت المقدس تمدن بزرگ جهانی ساختند. بنی اسرائیل که به ساختن تمدنی فائق آمدند که قبل از میلاد قصرهای شیشه‌ای می‌ساختند کسانی بودند که سال‌های متمادی در بردگی فرعونیان تعذیب می‌شدند و پس از آن چهل سال سرگردانی و زندگی بدوی را در صحرای سینا پشت سر گذشتانند.

اگر به تمدن بزرگ روم بنگریم که طولانی‌ترین تمدن شناخته شده نیز می‌باشد، در می‌یابیم که این تمدن را آنتی‌هایی که از ویرانی شهر خویش رنج می‌بردند و رومیانی که حالت بدتر از مردم افغانستان امروز داشتند، به‌وجود آوردند. بعد بیابیم به تمدن شکوفای اسلام؛ این تمدن توسط عرب‌هایی که وجود آمد که به بی‌سوادی مشهور بودند، انواع جهالت و خونریزی در میان‌شان رواج داشت، بویی از تمدن نبرده بودند و نوزادان دختر خویش را زنده به گور می‌کردند. به تمدن مدرن غربی امروز بنگریم که بنیاد آن توسط مردم آن سوی آلپ که در زمان امپراتوری روم به بربرها و مردم کم‌فرهنگ مشهور بودند و جنگ‌ها و جهالت چند صد ساله را سپری کردند به وجود آمد و در آخر امپراتوری عثمانی را ببینیم که توسط ترکان بادیه‌نشین، کسانی که در خیمه‌ها زندگی به سر می‌بردند و از زندگی متمدن دور بودند به وجود آمد. همچنین با بررسی سایر تمدن‌ها و امپراتوری‌ها در می‌یابیم که این تمدن‌ها و امپراتوری‌ها توسط کسانی که وجود آمده است که سال‌ها با حالت رقتبار خویش مبارزه کرده و بالاخره مجبور شده‌اند با یک عکس‌العمل درست، تمام مشکلات را به یک بارگی از جوامع خویش دور افکنند که منتج به ساختن امپراتوری و تمدن شده‌اند، چنانچه توین بی نتیجه می‌گیرد:

هرچه دشواری بیشتر بوده به همان نسبت هم انگیزه (برای تمدن‌سازی و تغییر مثبت) افزون‌تر بوده است. (توین بی؛ ج ۱؛ ص ۱۴۸) الله عز و جل فرموده‌اند:

" (ترجمه: و به راستی به سوی امت‌هایی پیش از تو {پیامبرانی} فرستادیم. پس آنان را به رنج و سختی‌ها گرفتار ساختیم تا تضرع {و خاکساری} کنند". اگر به تاریخ پیامبران بنگریم، پیامبران زمانی فرستاده شده‌اند که کاروان تاریخی بشر راه انحطاط و جهالت را به پیش گرفته‌اند و پیامبران در این حالت کاروان را به سوی راه درست و روشنی و تمدن سوق داده‌اند. در چنین حالت‌ها عزوجل سختی‌ها و رنج‌ها را فرستاده است تا مردم به سوی عکس‌العمل در مقابل مشکلات و رنج‌ها سوق داده شوند و راه درست را انتخاب کنند، مگر شقی‌ترین مردم که مستحق عذاب شده‌اند. باختم نبوت دین کامل شده است و نعمت الهی به اتمام رسیده است، پس در صورت انحطاط و گمراه شدن کاروان جامعه، آن جامعه باید با استفاده از دین کامل خودش



اعوام چیره شده است می بینیم که چطور مردم حتی در مقابل تجاوز به حقوق خویش (سرمایه زدایی، آزادی های فردی، و تحت حاکمیت قرار گرفتن اقلیت کوچک) خاموش اند و یا فقط با صداهای میان تهی عکس العمل نشان می دهند، اما در افغانستان روح دلاوری و شجاعت هنوز زنده است.

تمدن جهانی بعدی، بدون سایه شک، تمدن اسلامی است زیرا بدیل دگری وجود ندارد و اگر قرار باشد افغان ها تمدنی را پایه گذاری کنند بالاتر مسلمان بودن اکثریت مطلق مردم افغانستان تمدن اسلامی خواهد بود. برای دیدن یک فرصت الهی به کلام الهی مراجعه می کنیم که الله سبحانه و تعالی می فرماید:

"اگر شما (از فرمان های خدا سرپیچی کنید ...) روی برتابید، مردمان دیگری را جایگزین شما می گرداند (و این مأموریت را به گروه دیگری می سپارد) که مانند شما نخواهد بود". (تفسیر نور) تمدن اسلام توسط عرب ها به شکوفایی رسید. اموی ها نخست قدرت را به دست داشتند اما به زودی از فرمان ها رو برتابیدند چنانچه مؤرخ مشهور مصری می نویسد:

"بعضی از خلفای اموی به عیاشی و خوش گذرانی راغب بودند و این کار در انقراض دولت اموی اثر داشت" (حسن؛ ج ۱؛ ص ۴۳۰) پس از آن مأموریت به عباسیان رسید، "تا در اواخر ایام که ستم رواج گرفت و کار بشورید و دولت از دست برفت." (حسن؛ ج ۲؛ ص ۴۲) چون عرب ها از فرمان ها سرپیچی کردند و راه عیاشی و ستم پیشه کردند، الله سبحانه و تعالی مأموریت را به ترکان سپرد و ترکان عثمانی برای پنج قرن سردمدار تمدن اسلام بودند. ترکان عثمانی نیز به سبب ظلم و ستم در اواخر منقرض شدند. اکنون که عرب ها و ترک ها نوبت مأموریت خویش را سپری کرده اند بهترین فرصت است برای مردم افغانستان تا این مسئولیت را بگیرند.

با مدنظر گرفتن این فرصت ها، شرم باد نسل فعلی افغانستان را اگر چند نسل بعد از امروز کسی کتاب تاریخ جهان به دست داشته باشد و در آن نامی از تمدن بزرگی که بنیان گذار آن افغان ها باشد نبیند. خواستم بعضی از چه باید کردها را بنویسم اما منصرف شدم چون کسانی که قرار است تمدن بسازند باید راه پیش روی خویش را نیز بتوانند ببینند.

به امید بیداری!

**منابع:**

قرآن کریم

تفسیر نور

آرنولد توین بی؛ تلخیص: دیوید چرچیل سامرول؛ مترجم: محمد حسین آریا؛ بررسی تاریخ (۱۳۹۳)

John Taylor Gatto; Dumbing US Down (۲۰۰۵)

عبدالرحمن ابرن خلدون؛ مترجم؛ محمد پروین گنابادی؛ مقدمه (۱۳۷۵)

حسن ابراهیم حسن؛ مترجم: ابوالقاسم پاینده؛ تاریخ سیاسی اسلام (۱۳۶۶)

